

ارزیابی دوباره محافظه‌کاری در حسابداری

چکیده

این مقاله با ارجاع به مستندات حرفه‌ای و علمی معتبر در ادبیات حسابداری، چگونگی تکامل تاریخی و معاصر مفهوم "محافظه‌کاری" را تشریح و تبیین می‌کند. همچنین کاربرد محافظه‌کاری در چارچوب‌های مفهومی هیئت استانداردهای حسابداری مالی (FASB) و هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری (IASB) را مورد بررسی قرار می‌دهد و به‌اجمال پژوهش‌های تجاری در حوزه محافظه‌کاری نیز مورد بحث قرار می‌گیرد. در پایان، مقاله به بررسی کاهش نفوذ محافظه‌کاری در استانداردهای حسابداری شرکت‌های بخش خصوصی (غیرعمومی) در سه کشور منتخب بلژیک، سوئیس و ژاپن می‌پردازد. محافظه‌کاری همواره در روح حسابداری رخنه کرده و در تدوین استانداردهای حسابداری همواره مدنظر قرار گرفته است. این مفهوم، پیوسته در حسابداری شرکت‌های بخش خصوصی در کشورهای مختلف ریشه دوانده است. منطق محافظه‌کاری که در تضاد با "بی‌طرفی" است، همواره محل مناقشه بوده است.

اصطلاحات کلیدی: چارچوب‌های مفهومی، محافظه‌کاری، استانداردهای حسابداری، احتیاط.

مقدمه

به‌طور سنتی، محافظه‌کاری به‌عنوان یک رویکرد ساده‌انگارانه برای مقابله با عدم اطمینان (ابهام) در حسابداری و به‌عنوان یک سوپاپ اطمینان برای محافظت در برابر خوش‌بینی‌های مدیریت در نظر گرفته شده است. یکی از نگرانی‌های همیشگی حسابداران عدم اطمینان درباره داده‌های گزارشگری مالی بوده است. یکی از رایج‌ترین ابهامات (عدم اطمینان) در مورد نتایج دعاوی حقوقی است که اگر ابعاد آن به‌درستی افشا نشود می‌تواند به سرمایه‌گذارانی که به صورت‌های مالی اتکا می‌کنند، آسیب برساند. با این حال، مشکل اصلی که درباره محافظه‌کاری ذکر می‌شود سوگیری ذاتی آن، یعنی عدم "بی‌طرفی" است. علی‌رغم این موضوع، استرلینگ (۱۹۶۷) که یک نظریه‌پرداز برجسته حسابداری است، محافظه‌کاری را یکی از مفاهیم اساسی ارزشیابی در حسابداری می‌داند.

این مقاله، تحول تاریخی محافظه‌کاری را، با توجه به دیدگاه‌های FASB و IASB بررسی می‌کند که به‌طور مناسبی آن را عنوان یک ویژگی کیفی گزارشگری مالی می‌دانند. پرداختن به این چنین شرح و بسطی با توجه به تصمیم IASB برای افزودن "احتیاط" به ویژگی‌های کیفی گزارشگری مالی در چارچوب مفهومی خود، مناسب و ضروری به نظر می‌رسد. علاوه بر این، شمار فراوانی از پژوهش‌های تجربی جدید و قدیمی درباره کاربرد محافظه‌کاری در رویه حسابداری وجود دارد که به آن‌ها پرداخته می‌شود.

محتوای این مقاله در سه بخش ارائه می‌شود. بخش اول، ادبیات پژوهش‌های حسابداری شامل پژوهش‌های دانشگاهی و حرفه‌ای را بررسی خواهد کرد تا دیدگاه‌های مثبت و منفی حسابداران درباره محافظه‌کاری برجسته شود. در بخش دوم مقاله، کاربرد محافظه‌کاری در چارچوب‌های مفهومی FASB و IASB برجسته می‌شود. همچنین در چند مبحث فرعی، اول به محافظه‌کاری برگرفته از همایش سالانه انجمن حسابداری آمریکا (AAA) در سال ۲۰۱۶ پرداخته خواهد شد. در بخش فرعی دوم یک بررسی اجمالی از پژوهش‌های تجربی در حوزه محافظه‌کاری نیز ارائه خواهد شد. در بخش سوم، کاهش نفوذ محافظه‌کاری در استانداردهای حسابداری لازم‌الاجرا شرکت‌های بخش خصوصی (غیرعمومی) در سه کشور منتخب بلژیک، سوئیس و ژاپن طی سال‌های اخیر را بررسی می‌کند. روش‌ها و رویه‌های حسابداری محافظه‌کارانه در این کشورها کمتر مشهود بوده است، زیرا تأثیر استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRS) و همچنین IFRS برای شرکت‌های کوچک و متوسط (SME)، به حسابداری شرکت خصوصی گسترش یافته است.

پیشینه

چتفیلد (۱۹۷۴، ۱۹) درباره تاریخچه محافظه‌کاری، ریشه این مفهوم را مرتبط به دوران قرون وسطی می‌داند. در آن دوران از آن به‌عنوان ابزاری برای حفاظت از مباشر فرمانداری که مورد حسابرسی بود، استفاده می‌شد (چتفیلد، ۱۹۷۴، ۲۹). محافظه‌کاری از اعتباردهندگان در برابر پرداخت‌های بیش از حد

نویسنده:
رابرت بلوم

ترجمه:



الهه زمان



وحید منتی

سود محافظت می‌کرد (چتفیلد، ۱۹۷۴، ۹۹). پس از جا افتادن این مفهوم، ذخایر اضافی برای مقابله با بدهی‌های احتمالی ایجاد شد (چتفیلد، ۱۹۷۴، ۸۴). احکام قضایی در اواخر دهه ۱۸۰۰، از محافظه‌کاری با احترام استقبال کرد و بر اهمیت حفظ سرمایه قانونی در زمان تقسیم سود تأکید کرد (چتفیلد، ۱۹۷۴، ۱۱۷). تا سال ۱۹۰۰، محافظه‌کاری تبدیل به یک مفهوم غالب در حسابداری شده بود. زیرا در آن زمان بانکداران استفاده‌کنندگان اصلی صورت‌های مالی بودند و این مفهوم برای آنان جذابیت زیادی داشت (چتفیلد، ۱۹۷۴، ۲۳۲). این امر منجر به استفاده از قاعده "اقل بهای تمام‌شده یا ارزش بازار" در گزارشگری موجودی کالا و همچنین به‌کارگیری اصل بهای تمام‌شده تاریخی برای املاک، ماشین‌آلات و تجهیزات شد (چتفیلد، ۱۹۷۴، ۹۹). استفاده از رویه‌های حسابداری همچون، لایفو و روش‌های استهلاک شتابدار (نزولی) نیز حاصل کاربرد مفهوم محافظه‌کاری است (چتفیلد، ۱۹۷۴، ۲۴۴). محافظه‌کاری در ایالات متحده آمریکا اساساً در دهه ۱۹۳۰ به‌عنوان واکنشی به حسابداری اقتصاد آزاد پدید آمد، که یکی از عوامل سقوط بازار سهام در سال ۱۹۲۹ و رکود بزرگ اقتصادی پس از آن بود (هاکسی، ۱۹۳۰). شرکت‌هایی که در غیاب اصول و استانداردهای حسابداری سخت‌گیرانه، دارایی‌های خود را بیش‌نمایی کردند و جذابیت ترازنامه‌های خود را افزایش دادند. در حالی که قدرت سودآوری و نتایج واقعی عملیات آن‌ها اندک یا حتی زیان بود. از این رو، محافظه‌کاری به‌عنوان واکنشی برای محدود کردن سوءاستفاده در گزارشگری مالی داوطلبانه تبدیل شد (پرویتز و مرینو، ۱۹۹۸، ۲۷۶). سورتز، گانز، روزن فیلد، شانون و استریت (۱۹۷۴، ۱۶) در مورد منشأ و ریشه محافظه‌کاری چنین گفته‌اند: "محافظه‌کاری نمونه‌ای از یک استاندارد حسابداری مالی است که در اصل ممکن است به‌عنوان واکنشی درست به اهداف مناسب باشد. هدف محافظه‌کاری دستیابی به چیزی است که هرگز تصریح نشده است... [محافظه‌کاری] به وضعیت هدف (در خود) دست‌یافته است. اطلاعات حسابداری محافظه‌کارانه ممکن است ناشی از ترجیح اعتباردهندگان برای اطلاعاتی باشند که احتمال ایجاد وام لاوصول و سوخت‌شده را به حداقل می‌رساند."

در تحلیلی مشابه، سورتز و همکاران (۱۹۷۴) بیان می‌کنند که محافظه‌کاری به وجود آمده است تا از خطای نوع دوم (پذیرش نادرست) در ارتباط با اعطای وام به متقاضی جلوگیری کند. خطای نوع دوم مهم‌تر از خطای نوع او (رد نادرست) است. یعنی ریسک این که به متقاضی بی‌اعتبار وام اعطا شود نسبت به زمانی که اعتبار متقاضی (که حقیقتاً معتبر است) رد می‌شود، به‌مراتب بیشتر است. به‌طور سنتی، طبق مفهوم محافظه‌کاری زبان‌ها زودتر از سودها شناسایی می‌شوند. این موضوع به نامتقارن بودن زمانی برخورد حسابداری با درآمدها (و دارایی‌ها) در مقایسه با هزینه‌ها (و بدهی‌ها) اشاره دارد. با این حال، این مفهوم از چارچوب مفهومی FASB به‌عنوان یک ویژگی کیفی حذف شده است، و در گذشته نیز از گزارش تروبلاد (انجمن حسابداران رسمی آمریکا، ۱۹۷۳) حذف شده بود. در واقع، مفاهیم محافظه‌کاری و هم‌زمانی (تطابق)، هر دو، در سیاست حسابداری چندان مورد توجه قرار نگرفته‌اند. زیرا FASB و IASB در گزارشگری مالی، بر ارزش‌های منصفانه تأکید دارند. تا همین اواخر، محافظه‌کاری در چارچوب مفهومی IASB وجود نداشت (هافمن، ۲۰۱۶). ولی در حال حاضر در چارچوب تجدیدنظرشده آن تحت عنوان «احتیاط» منعکس شده است (IASB، ۲۰۱۸). احتمالاً IASB در حال احیای محافظه‌کاری به‌عنوان ویژگی کیفی گزارشگری مالی است. زیرا بیشتر شرکت‌هایی که از IFRS استفاده می‌کنند، در کشورهای قانون مدون^۱ قرار دارند. جایی که بانک‌ها و دولت‌ها به‌طور سنتی منابع اصلی تأمین مالی کسب‌وکار و استفاده‌کنندگان اصلی گزارش‌های مالی هستند. بانک‌ها به‌طور خاص، سالیان درازمدتی در گزارشگری مالی محافظه‌کارانه رفتار کرده‌اند. زیرا این امر موجب ایجاد حاشیه ایمنی برای اعطای وام، اجتناب از بیش‌نمایی خالص دارایی‌ها در ترازنامه و درآمد حاصل از عملیات مستمر در صورت سود و زیان می‌شود. با این وجود، IASB در مقایسه با FASB اجازه تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت و نامشهود را می‌دهد. این می‌تواند با محافظه‌کاری در تضاد باشد. هرچند ممکن است با احتیاط در تضاد نباشد. پشتیبانی و طرفداری از

محافظه‌کاری در ادبیات حسابداری، عمدتاً برگرفته از بزرگان حرفه همچون هاکسی، مونگومری و گریدی است. با این حال، برخی از دانشگاهیان از جمله باسو، ریاحی بلکویی، گری، پنمن و تاگارت، محافظه‌کاری را به‌عنوان محدودیت در گزارشگری مالی توجیه کرده‌اند. البته آنان نیز تأکید کرده‌اند که در به‌کارگیری آن نباید افراط شود. در اکثر موارد، دانشگاهیان، از جمله ادواردز، بل، هندریکسن، مک‌نیل، مکو، مونیتز، اسپروس، پتن، لیتلتن، اشمانلیخ، دی. آر. اسکات، دیلیو. آر. اسکات، سورتز، استرلینگ، و واتر، از محافظه‌کاری انتقاد کرده‌اند.

ادبیات تحقیق

بریف (۱۹۶۵، ۲۹-۳۱) در دهه ۱۸۰۰ دریافت که چرخه‌های سود تجمعی یا بلندمدت بریتانیا اغلب به‌منظور اجازه توزیع سود سهام بیش‌نمایی می‌شوند که در مجموع با مفهوم محافظه‌کاری در تضاد است که از سوی سایر مورخان برجسته حسابداری، از جمله یامی، چنین رویه حسابداری را مشخص شده بود. بر اساس، مشاهدات بریف، سوگیری مداوم رو به بالا در اندازه‌گیری سود است که بدون شک بر سرمایه‌گذاری، تولید و تصمیم‌گیری‌های قیمت‌گذاری در آن زمان مؤثر بوده است، وجود داشته است. اشمانلیخ (۱۹۵۹) که یک حسابدار آلمانی (صاحب‌نظر) است درباره منطق ادراکی برای محافظه‌کاری در ادبیات حسابداری چنین می‌گوید: "همه ارزش‌گذاری‌های ترازنامه بر اساس اصل محافظه‌کاری هستند که باید آن را قانون احتیاط بنامیم. بسیاری از چیزهای مشابه به روش‌های اساساً متفاوتی عمل می‌کنند... زیرا به‌عنوان ریسک یا شانس در نظر گرفته می‌شوند. در واقعیت، هیچ منطقی وجود ندارد که نشان دهد ریسک‌ها و شانس‌ها در واقع نابرابر هستند. زمانی که فرد اقدام به راه‌اندازی یک واحد تجاری مخاطره‌آمیز (پر ریسک) می‌کند که در صورت موفقیت، تبدیل به یک مرد ثروتمند خواهند شد و در صورت ورشکستگی، ثروت خود را از دست خواهد داد، بازهم نمی‌تواند از شانس و ریسک مساوی صحبت کند. سود بیش‌نمایی شده برای واحد تجاری و صاحبان آن بسیار خطرناک‌تر از سود کم‌نمایی شده است (حسابداری پویا). (گریو،

دین و کلرک، ۱۹۸۹). " این مشاهدات به ماهیت نامتقارن ریسک اشاره می‌کند. گرایش بیشتری به نگرانی نسبت به ریسک روبه پایین نسبت به ریسک روبه بالا و به‌کارگیری اقدامات محافظتی برای جلوگیری از وقوع ریسک نزولی وجود دارد. هاکسی (۱۹۳۰، ۲۷۶) به‌طور ضمنی نیاز به مفاهیم حسابداری سنتی حسابداری مانند محافظه‌کاری، به‌ویژه برای مدیریت و اعتباردهندگان را می‌پذیرد: "هنگامی که حسابداری اساساً برای نیازهای اطلاعات اعتباردهندگان و مالک-مدیران که کاملاً با تمام جزئیات کسب‌وکار آشنا هستند، باشد آنگاه ممکن است توجیه‌هایی برای شناسایی مبالغ گزاف و اشتباه هزینه‌های استهلاک، منظور نمودن دارایی‌های اضافی به حساب هزینه‌های عملیاتی و لحاظ نمودن ذخایر غیرعادی، وجود داشته باشد."

هاکسی (۱۹۳۰) به‌منظور محافظت از اعتباردهندگان و محافظت در برابر تصمیم‌گیری‌های بی‌تدبیرانه مدیریت، بیش‌نمایی هزینه‌ها را توجیه می‌کند. او درعین‌حال که رویه محافظه‌کاری را با استدلال عقلایی توجیه می‌کند، معتقد است که تمرکز بیش‌ازحدی بر محافظه‌کاری، به دلیل اهمیت دادن به «سرمایه‌گذار»، به وجود آمده است: "برای آن دسته از افرادی که در میان شما به حس بالای اخلاق حرفه‌ای خود مفتخرند، تنها یک پیشنهاد دارم: برخی از محافظه‌کاری‌های بیش‌ازحد خود را رها کنید! به نظر من، وظیفه حسابدار این نیست که محافظه‌کار باشد. شغل او، انجام دقیق و صحیح کار و ارائه صورت‌های مالی است که یک تصویر درست به سرمایه‌گذاران ارائه دهد. (هاکسی ۱۹۳۰، ۲۷۶)."

هاکسی (۱۹۳۰) به مسئله دائمی محافظه‌کاری در برابر بی‌طرفی و افشای کامل می‌پردازد. از لحاظ تاریخی، استرلینگ (۱۹۶۷) پیدایش محافظه‌کاری در ایالات‌متحده آمریکا را به‌طور خاص، به‌عنوان واکنشی به بی‌قاعدگی‌ها و تقلب‌های حسابداری می‌داند: "حسابدار از دوران دستکاری؛ دوران حباب‌های سهام و مالی؛ و به‌طور خلاصه، دوران ضدونقیض‌گویی از طریق بیش‌نمایی‌های مالی عبور کرد. علاوه بر این، حسابدار همیشه با خوش‌بینی مبهم کارآفرین مواجه بوده است. این

خوش‌بینی با تمایل به ارزش‌گذاری بیش از واقع واحد تجاری نمایش داده می‌شود." پرویتز و مرینو (۱۹۹۸، ۲۷۶) ادعا می‌کنند که کمیسیون بورس و اوراق بهادار (SEC) به‌جای استفاده از محافظه‌کاری به‌عنوان یک مفهوم سودمند در تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری، پس از رکود بزرگ و سقوط بازار سهام، از آن به‌عنوان ابزاری برای بازگرداندن اعتماد به اقتصاد استفاده نموده است. می (۱۹۴۰، ۴۴) در واقع این‌گونه محافظه‌کاری را تعریف می‌کند: "محافظه‌کار اولین فضیلت^۲ است. با این حال، حسابداری... باید دارای عناصر انعطاف‌پذیری و سازگاری^۳ باشد." او در ادامه اذعان می‌کند: "این واقعیت نباید کتمان شود که حسابداری بر اساس چارچوبی از مفروضات شکل می‌گیرد... و از چند مفروضات بنیادی اصلی و تعداد زیادی مفروضات جزئی تشکیل شده است. (ادواردز و سالمونسون، ۱۹۶۱، ۱۵۶)."

می به‌عنوان یک فرد حرفه‌ای، کاربرد محافظه‌کاری در گزارشگری مالی را ارزشمند می‌داند. علاوه بر این، می (۱۹۴۰، ۴۴) موارد زیر را پیشنهاد می‌کند: "درجه احتمال... برای انتظارات در بخش‌های مختلف محدوده ارقام برای هر حساب گزارش‌شده و همچنین... نرخ‌های تنزیل مناسب برای تبدیل ارزش آتی به ارزش فعلی مبالغی که فرض می‌شود در آینده وصول می‌شوند." چنین افشاهایی، اطلاعات دقیق تقسیم‌بندی شده‌ای را برای استفاده‌کنندگان فراهم می‌کند و فی‌نفسه، نیاز به محافظه‌کاری را از بین می‌برد. به‌طور کلی، می به‌جای در نظر گرفتن محافظه‌کاری به‌عنوان یک «حقیقت قابل‌اثبات»، آن را به‌عنوان یک فرض (مفروض) سودمند برای گزارشگری مالی در نظر می‌گیرد (می، ۱۵۶-۱۵۹) که می‌تواند برای سرمایه‌گذاران کوچک و بانکداران گمراه‌کننده باشد (می، ۳۲). پرویتز و مرینو (۱۹۷۹، ۱۷۴) اشاره می‌کنند که موضع مثبت می در مورد محافظه‌کاری قابل‌انتساب به تربیت (آموزش) انگلیسی او است. با این حال، مک‌نیل (۱۹۳۹) کاملاً با محافظه‌کاری مخالف بوده و بر ارزش‌های منصفانه تأکید دارد و مخالف بهای تمام‌شده تاریخی است. از نظر ایشان: "هدف صورت‌های مالی ارائه ارزش‌های

اقتصادی فعلی است و معتقدند که صورت‌های مالی تنها در صورتی سودمند هستند که این کار را انجام دهند (نقل‌قول در چتفیلد، ۱۹۷۴، ۲۵۸-۲۵۹)."

محافظه‌کاری دارای یک سوگیری ذاتی، در تضاد با گزارشگری ارزش‌های منصفانه است. هندریکسن و ون بردا (۱۹۹۲، ۱۴۸-۱۴۹)، در کتاب تئوری حسابداری، برای حمایت از محافظه‌کاری، چنین استدلال می‌کنند: بدبینی حسابداری در مقابله با خوش‌بینی مدیریت است. بیش‌نمایی سود و خالص‌داری‌ها بدتر از کم‌نمایی این ارقام است. مدیریت نسبت به اشخاص برون‌سازمانی، به نحو بهتری قادر به ارزیابی ریسک است. گزارش‌ها ممکن است غلط باشد (خطای نوع دوم)، درحالی‌که آنچه گزارش نشده است ممکن است درست باشد (خطای نوع اول). با این وجود، خطر خطای نوع دوم مهم‌تر است. نویسندگان این خط فکری را از بین برده و اذعان می‌کنند که افشای کافی به‌مراتب برتر از انعکاس عدم اطمینان نسبت به محافظه‌کاری است. نویسندگان نتیجه می‌گیرند که محافظه‌کاری، در عین هم‌ترازی با مفاهیم کلیدی در حسابداری، نباید در نظریه حسابداری جایگاهی داشته باشد. علاوه بر این، استفاده از محافظه‌کاری در عمل می‌تواند بر تصمیم‌گیری تأثیر منفی بگذارد. محافظه‌کاری در میان چهار ویژگی اصلی حسابداری سیدنی گری (۱۹۸۸) که از چارچوب فرهنگی هافستد (۱۹۸۰) منتج شده، قرار گرفته است. با این حال، به نظر می‌رسد که محافظه‌کارانه در تضاد با مفاهیم «فردگرایی» و «مردسالاری» هافستد باشد. همان‌طور که گری (۱۹۸۸) بیان می‌کند: "محافظه‌کاری می‌تواند نزدیک‌ترین ارتباط را با بُعد اجتناب از نا اطمینانی (هافستد) و جهت‌گیری‌های کوتاه‌مدت و درازمدت را داشته باشد. اولویت برای معیارهای محافظه‌کارانه‌تر سود و دارایی‌ها، با اجتناب از نا اطمینانی قوی مطابقت دارد." گری (۱۹۸۸) نیز استدلال می‌کند: "رویکرد خوش‌بینانه‌تر نسبت به حفظ منابع و سرمایه‌گذاری برای روندهای بلندمدت اتخاذ شده است. همچنین به نظر می‌رسد که بین سطوح بالای فردگرایی و مردگرایی ارتباط، هرچند ضعیف‌تری، وجود داشته باشد... به‌طوری‌که تأکید بر

دستاورد و عملکرد فردی، به احتمال زیاد، رویکرد با محافظه کارانه کمتری ایجاد می‌کند. (گری ۱۹۸۸)

نشان می‌دهد که کشورهایی که نشان‌دهنده اجتناب از نا اطمینانی قابل‌ملاحظه و جهت‌گیری بلندمدت همراه با فردگرایی و مردسالاری هستند، در اندازه‌گیری‌های حسابداری خود محافظه‌کاری بیشتری دارند. با گسترش این فرضیه، به نظر می‌رسد که کشورهای دارای فرهنگ‌های محافظه‌کارانه، گزارش‌های حسابداری مالی خود را اساساً بر مبنای رویه‌های مالیات بر درآمد قرار می‌دهند. دبیلو. آر. اسکات (۱۹۹۷، ۲۹) که یک پژوهشگر کانادایی است، بیان می‌کند که محافظه‌کاری در حسابداری ممکن است برای بعضی از اهداف و نه تمامی اهداف، سودمند باشد: "به نظر مدیریت ممکن است یک معیار محافظه‌کارانه از سود خالص برای پرداخت مالیات و برای مذاکره با اتحادیه‌های کارگری سودمند باشد، درحالی‌که دولت‌ها و اتحادیه‌ها ممکن است معیار با محافظه‌کاری کمتر را ترجیح دهند. بیانیه‌های [محافظه‌کارانه] ممکن است برای ارزیابی شرکت‌های فرعی یا تجزیه و تحلیل مخارج سرمایه‌های سودمندی کمتری داشته باشد."

ریاحی بلکویی (۲۰۰۴، ۲۲۶-۲۲۷)، یک صاحب‌نظر و نویسنده بزرگ کتاب‌های حسابداری، محافظه‌کاری را به شکل زیر تفسیر می‌کند: "محدودیت در حفظ داده‌های حسابداری مربوط و قابل‌اتکا. محافظه‌کاری از میان دو یا چند روش قابل‌قبول، روشی را ترجیح می‌دهد که دارای حداقل تأثیر مطلوب بر حقوق مالکانه باشد تا کمترین دارایی‌ها و درآمدها و بالاترین بدهی‌ها و هزینه‌ها را نشان دهد. قاعده اقل بهای تمام‌شده یا ارزش بازار [یک روش محافظه‌کارانه برای ارزش‌گذاری موجودی کالا] در تضاد با بهای تمام‌شده تاریخی است. لایفو و روش استهلاک نزولی (شناه‌بار) نیز برگرفته از محافظه‌کاری هستند." او اشاره می‌کند "سود حسابداری که مبتنی بر اصل تحقق در شناسایی درآمد است، در حقیقت از فیلتر محافظه‌کاری عبور کرده و آن را رعایت کرده است. احتیاط منطقی در اندازه‌گیری و گزارشگری سود، عملاً تغییرات بعدی ارزش‌ها (قیمت‌ها) را نادیده گرفته و صرفاً سودهای

تحقق‌یافته، شناسایی می‌گردند (ریاحی بلکویی، ۲۰۰۴، ۴۸۱).

محافظه‌کاری یک محدودیت با یک سوگیری روبه پایین است. ریاحی بلکویی (۲۰۰۴، ۲۲۷) با اشاره به کار استرلینگ (۱۹۶۷) در مورد محافظه‌کاری، نتیجه‌گیری می‌کند: "از آن جا که اساساً ابراز مداخله حسابداری است که ممکن است منجر به سوگیری، خطاها، تحریفات احتمالی و بیانیه‌های گمراه‌کننده، شود؛ دیدگاه کنونی محافظه‌کاری به‌عنوان یک اصل حسابداری در معرض محو شدن است." نتایج پژوهش‌های تجربی در مورد محافظه‌کاری که نمونه‌ای از آن‌ها در این مقاله مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است، با نتیجه‌گیری ریاحی بلکویی (۲۰۰۴) در مورد ناپدید شدن محافظه‌کاری در آینده در تضاد است (واتز، ۲۰۰۳ الف و ب؛ باسو، ۱۹۹۷). شرودر، کلارک و کی‌تی (۲۰۱۴، ۱۴۸)، به‌عنوان نویسندگان کتاب تئوری، دیدگاه جالبی را در مورد اینکه چگونه محافظه‌کاری محبوبیت خود را در حسابداری از دست داد ارائه می‌کنند: "محافظه‌کاری به‌عنوان مهم‌ترین استدلال در مورد سودهای حاصل از نگهداری در نظر گرفته شده بود زیرا بسیاری از حسابداران معتقد بودند که استفاده از ارزش‌گذاری نامطلوب برای شرکت، موجب گمراهی استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی شده است. در سال‌های اخیر، فشار برای اطلاعات قابل‌اتکاتر و مربوط‌تر موجب کاهش تأثیر این مفهوم شده است." شرودر و همکاران (۲۰۱۴) ادعا می‌کنند که رویه حسابداری فعلی، مبتنی بر ارزش منصفانه می‌باشد که نه تنها زبان‌های نگهداری را شناسایی می‌کند، بلکه سودهای حاصل از نگهداری را نیز در جهت افشای کامل و بی‌طرفانه گزارش می‌کند که برخلاف رویه مرسوم (مفهوم ضد محافظه‌کاری) که بر شناسایی صرف زیان‌های حاصل از نگهداری تأکید می‌کند، است.

سایر نظریه‌پردازان برجسته حسابداری نیز محافظه‌کاری را مورد توجه قرار داده‌اند. استرلینگ (۱۹۶۷) از محافظه‌کاری حمایت نمی‌کند، اما

معتقد است که محافظه‌کاری منعکس‌کننده "احتمالاً یکی از نافذترین اصول ارزش‌گذاری (شناخت) حسابداری" است و برای اثبات این عقیده مواردی به شرح زیر ارائه می‌کند:

۱. تاریخچه تکامل حسابداری منجر به گرایش طبیعی به سوی محافظه‌کاری می‌شود.
۲. هنگامی که میان محافظه‌کاری با دیگر اصول حسابداری تناقضی آشکار می‌شود، عمدتاً محافظه‌کاری غالب است.
۳. نویسندگان در این زمینه معمولاً با ارجاع به محافظه‌کاری، یک روش ارزشیابی خاص را توجیه می‌کنند، هرچند که به محافظه‌کاری اعتقادی نداشته باشند.
۴. غالباً از خود محافظه‌کاری برای انتقاد از محافظه‌کاری استفاده می‌شود.
۵. اگر مفهوم محافظه‌کاری را از توجیهات طرفداران اصل بهای تمام‌شده تاریخی برداریم، درست به نظر نمی‌رسند.

استرلینگ (۱۹۶۷) استدلال می‌کند که رویه‌های زمان محور که از «بهای تمام‌شده تاریخی» و «شناسایی درآمد» طرفداری می‌کنند، بر پایه‌ی متزلزل محافظه‌کارانه متمرکز هستند. مونگومری (۱۹۲۷) رویه محافظه‌کارانه قاعده اقل بهای تمام‌شده یا ارزش بازار را به‌عنوان یک اقدام احتیاطی برای جلوگیری از فریب اعتباردهندگان توجیه می‌کند که پرویتز و مرینو (۱۹۹۸) آن را به نفوذ انگلیسی ایشان به‌عنوان ویراستار نسخه آمریکایی حسابرسی دیکیس در سال ۱۹۰۵ نسبت می‌دهند (پرویتز و مرینو، ۱۹۹۸، ۱۷۴). هاتفیلد (۱۹۲۷) نیز محافظه‌کاری را پذیرفته است، اما آن را غیرقابل‌قبول و برخلاف مفهوم تداوم فعالیت می‌داند (پرویتز و مرینو، ۱۹۹۸، ۱۷۴). پتن و استیونسون (۱۹۱۸) ادعا می‌کنند که محافظه‌کاری، آزادی عمل افراطی مدیریت را به‌سوی «پنهان‌کاری» سوق می‌دهد (پرویتز و مرینو، ۱۹۹۸، ۱۷۴). دی. آر. اسکات (۱۹۳۱، ۱۵۳، پانویس)، به‌عنوان یکی از منتقدان محافظه‌کاری، «صحت و درستی» را ترجیح می‌دهد: "چرا نباید بی پروایانه و بدون هیچ مشکلی دقیق باشیم؟ عدم امکان دستیابی به دقت مطلق، هرگز کم‌نمایی عمدی دارایی‌ها و

بیش نمایی هزینه‌ها را توجیه نمی‌کند." بنابراین، همان‌طور که اسکات اشاره می‌کند، محافظه‌کاری عمداً دچار سوگیری شده است و نه تنها درست نیست بلکه غیرمنصفانه است. گیلمن (۱۹۳۰، ۲۸۸) محافظه‌کاری را به‌عنوان رویه عملی، نه منطقی و منصفانه می‌داند: "حسابدار طبق دکترین محافظه‌کاری، شناسایی درآمد را تا زمانی که چنین شناختی به‌وضوح مورد تأیید قرار بگیرد، به تعویق می‌اندازد، اما از سوی دیگر تمایل دارد که بهای تمام‌شده، هزینه‌ها و زیان‌ها را شناسایی نموده و آن‌ها را در صورت سود و زیان دوره لحاظ کند، هرچند ممکن است تردیدی در مورد منصفانه بودن چنین مواردی وجود داشته باشد."

هورن (۱۹۸۲)، عضو کمیته رویه‌های حسابداری (CAP) انجمن حسابداری آمریکا (AAA) در اواخر دهه ۱۹۳۰، از محافظه‌کاری، خصوصاً در استفاده از قاعده اقل بهای تمام‌شده یا ارزش بازار برای موجودی کالا انتقاد کرد: "هیچ توجیهی برای استفاده از محافظه‌کاری به‌عنوان بهانه‌ای برای کاهش ارزش دارایی‌ها به کمترین مبلغ وجود ندارد که تحقق سودها در دوره‌های آتی تضمین شوند." لو و گو (۲۰۱۶، ۱۰۹) به شیوه‌ی جدیدتری، نظر هورن را تأیید می‌کنند: "حسابداران این موضوع که آنچه در سال مالی جاری محافظه‌کاری است در سال یا سنوات مالی آتی ضد محافظه‌کاری (متورم کننده سود) است را نادیده می‌گیرند یا از آن آگاهی ندارند. به‌عنوان مثال تجدید ساختار و هزینه‌های تحقیق و توسعه به‌عنوان هزینه‌های سال مالی جاری ثبت می‌شوند اما در سال‌های بعدی بدون آن‌که هزینه‌ای ثبت گردد، مزایای آن در سود خالص منعکس می‌گردد."

تاگارت (۱۹۵۳، ۳۱۳-۳۱۹) محافظه‌کاری را به‌عنوان یک «گاو مقدس (مصون از انتقاد)» می‌داند: "محافظه‌کاری یک فضیلت نیست، بلکه یک قاعده باقی‌مانده یا قدیمی خوب است. در مواقعی که شرایط چندان روشن نیست، به محافظه‌کاری متوسل می‌شویم." او با این وجود درمی‌یابد که محافظه‌کارانه به‌صورت افراطی بکار گرفته می‌شود

به حدی که مخارج سرمایه‌ای هزینه می‌شوند، هزینه‌های سربار ثابت - البته نه کل آن - از موجودی کالا حذف می‌شوند، از روش لایفو با هزینه‌های فزاینده استفاده می‌شود و کاهش ارزش دارایی‌های نامشهود به‌سرعت ثبت و شناسایی می‌گردند. او از تأثیرات زیان‌بار فراگیر محافظه‌کاری متأسف است. واتر محافظه‌کاری را به‌مثابه یک «دکترین» یا ایده از نسل حسابداران می‌داند تا منعکس‌کننده این موضوع است که آن‌ها چگونه باید تحت شرایط خاص عمل کنند. چنین دکترین‌هایی «دارای ویژگی‌های هنجاری و اخلاقی هستند، اگرچه واقعاً رنگ و بوی اخلاقی ندارند» (واتر، ۱۹۶۳، ۱۷۷-۱۹۷). با این حال، او ایده دیگری برای کنترل عدم اطمینان در گزارشگری مالی دارد: "شامل... طیفی از انتظارات به‌جای یک مقدار واحد و همچنین توضیحات نسبتاً گسترده‌ای از نحوه ایجاد این طیف (واتر، ۱۹۶۶، ۲۱۸). "پیشنهاد واتر با نظر می (۱۹۴۰)، در بخش قبلی ارائه‌شده، مطابقت دارد. به‌منظور جمع‌بندی این بخش در ادبیات پژوهش‌های قبلی می‌توان بیان کرد که محافظه‌کاری یک‌رویه حسابداری مستحکم است، صرف‌نظر از این واقعیت که از آن به‌طور متناقض، یا در تضاد با دیگر مفاهیم اساسی مانند تداوم فعالیت، تطابق، تحقق درآمد، ثبات رویه و شفافیت (افشا) استفاده می‌شود. محافظه‌کاری ارائه‌کننده محدودیتی در قضاوت در حسابداری بوده که به‌صراحت با عدم اطمینان در تعامل است (چتفیلد، ۱۹۹۶، ۱۶۰-۱۶۷). همان‌طور که چتفیلد (۱۹۷۴، ۲۷۵) می‌گوید: "آنچه برای اعتباردهندگان، منصفانه (یا محافظه‌کارانه) بود، ممکن است برای سهامداران منصفانه نباشد. مفهوم محافظه‌کاری در زمینه شرکتی، مستلزم مشخص نمودن مخاطبان (استفاده‌کننده) صورت‌های مالی است؛ که این دکترین به‌خودی‌خود در عمل سودمند نبود." گرچه استفاده‌کننده اصلی صورت‌های مالی با گذشت زمان تغییر کرده است، با این حال محافظه‌کاری هنوز وضعیت خود را به‌عنوان یک رویکرد خام (ناکامل) برای نشان دادن عدم اطمینان حفظ کرده است.

بخش بعدی این مقاله بر محافظه‌کاری در گزارش‌های معتبر انجمن حسابداران رسمی آمریکا

(AICPA) و FASB تمرکز دارد. محافظه‌کاری در گزارش‌های کمیته انجمن حسابداری آمریکا (AAA) از زمان پتن و لیتلتن در سال ۱۹۴۰، به‌عنوان یک ویژگی ارزشمند صورت‌های مالی به نظر نمی‌رسید. این نویسندگان، به‌طور خاص، محافظه‌کاری را تأیید نکردند (پتن و لیتلتن، ۱۹۶۶). همچنین «بیانیه‌ای در مورد تئوری بنیادی حسابداری اصلی (ASOBAT)» که شامل «اجتناب از سوگیری» بود، در تضاد با محافظه‌کاری، به‌عنوان یک ویژگی کیفی گزارشگری بود (AAA، ۱۹۶۶).... گزارش تروبلاد AICPA (۱۹۷۳) محافظه‌کاری را کاملاً نادیده می‌گیرد. بیانیه‌ای در مورد تئوری حسابداری و پذیرش تئوری (SATTA) نیز این‌گونه بود (AAA، ۱۹۷۷). با این حال، موضوع محافظه‌کاری به‌طور مستقیم در همایش اخیر AAA مطرح‌شده است (۲۰۱۶) که تجزیه و تحلیل آن در بخش «گزارش‌های معتبر» ارائه‌شده است.

گزارش‌های معتبر

ساندرز، هاتفیلد و مور (۱۹۳۸، ۱۷)، در تکننگاری (مونوگراف) انجمن حسابداری آمریکا، با عنوان «بیانیه اصول حسابداری (SAP)»، دفاع جزئی از محافظه‌کاری را ارائه می‌دهند: "ذخایر مناسب برای تمام اهداف وجود داشته باشد؛ آن‌ها باید به‌عنوان حسابداری صحیح و منبع قدرت مالی در شرکت لحاظ شوند؛ اما به دست آوردن سود در دفاتر به‌واسطه روش‌های شناخته‌شده و سپس پنهان کردن بخشی از آن‌ها در گزارش منتشرشده، اقدامی است که نمی‌توان آن را تأیید کرد." به نظر می‌رسد که نویسندگان خواستار افشای کامل در گزارشگری مالی هستند. گرچه آن‌ها از ذخایر برای یکسان‌سازی یا هموارسازی سود استفاده می‌کنند (ساندرز و همکاران، ۱۹۳۸، ۱۶)، با این حال از چنین رویه‌ای برای بدهی‌های احتمالی حمایت می‌کنند. آن‌ها تحت هیچ شرایطی نمی‌گویند که محافظه‌کارانه باید به‌منجر به تحریف عمدی، بیش نمایی یا کم نمایی، در صورت‌های مالی شود. آن‌ها همچنین استدلال می‌کنند: "اعتقاد مرسوم که سو رفتار از طریق کم نمایی به‌جای بیش نمایی انجام می‌شود... احتمالاً درست است؛ اما ممکن است کم

نمایی انجام شده توسط افراد نادرست (غیر صادق) نیز همانند بیش نمایی آنان تلقی گردد (ساندرز و همکاران، ۱۹۳۸). "پتن و لینلتن (۱۹۴۰، ۱۲۸) در مورد محافظه‌کاری در رساله AAA خود توضیح می‌دهند: "محافظه‌کاری در ارائه دارایی‌ها (برای ظرفیت پرداخت بدهی‌هایشان) یک اصل برای کنترل محاسبات حسابداری سود خالص نیست، بلکه یک قاعده احتیاط در تفسیر نتایج اندازه‌گیری‌های حسابداری است." آن‌ها «محافظه‌کاری» را به جای یک اصل، به عنوان یک هشدار در نظر می‌گیرند. بولتن تحقیقات حسابداری شماره ۴۳ (AICPA، ۱۹۶۱) محافظه‌کاری را به یک وضعیت بهبود یافته ارتقا می‌دهد و بیان می‌کند که در انعکاس موجودی کالا به «قاعده اقل بهای تمام شده و ارزش بازار» پذیرفته شده است. همان‌طور که در پاراگراف ۵ بیانیه شماره ۵ آمده است (AICPA، ۱۹۶۱): انحراف از مبنای بهای تمام شده قیمت‌گذاری موجودی کالا زمانی الزامی است که مطلوبیت کالاها کمتر از بهای تمام شده آن باشد... این تفاوت که ممکن است به دلیل خسارت فیزیکی، بلااستفاده بودن، تغییرات در قیمت‌ها یا سایر علل باشد، باید به عنوان زیان دوره جاری شناسایی شود. این رویه معمولاً با افزایش چنین کالاهایی به ارزش پایین‌تر تحت عنوان ارزش بازار انجام می‌شود. "ARB شماره ۴۳ نیز از محافظه‌کاری در صورت سود و زیان و همچنین ترازنامه، به شرطی که سود و زیان فدای ترازنامه نشود، حمایت می‌کند: "استدلال مربوط به حذف نمودن بلادرنگ کسر اوراق قرضه این بود که این کار منجر به حذف یک دارایی می‌شد که فقط اسمی بود و در نتیجه منجر به یک ترازنامه محافظه‌کارانه شد. اهمیت این استدلال به‌طور پیوسته کاهش یافته و اهمیت بیشتری به نحوه درج چنین هزینه‌های در صورت سود و زیان گردید. ارزش محافظه‌کاری در ترازنامه، در صورتی که منتج به ضد محافظه‌کاری در صورت سود و زیان شود، مورد سؤال است (AICPA، ۱۹۶۱، فصل ۱۵، ۴، ۱۲۹). این گونه به نظر می‌رسد که ARB شماره ۴۳ بیان می‌کند که ترازنامه و صورت سود و زیان ضرورتاً به‌طور یکسان محافظه‌کارانه نیستند. اگر به هزینه بردن دارایی‌ها به جای اینکه به‌طور مستقیم از طریق سود انباشته

صورت گیرد، از طریق سود خالص اجرا شود، آنگاه هم صورت سود و زیان و هم ترازنامه محافظه‌کارانه خواهد بود. در شبه تجدید سازمان، ARB شماره ۴۳ (AICPA، ۱۹۶۱، فصل ۷، پاراگراف ۴، ۴۶) مجدداً از محافظه‌کاری ترازنامه، اما نه با فدا شدن بیش نمایی سود، حمایت می‌کند: "کاهش ارزش دارایی‌ها به کمتر از مقداری که احتمالاً پس‌از آن تحقق می‌یابند، اگرچه ممکن است منجر به محافظه‌کاری در ترازنامه در تاریخ تجدید شناخت شود، با این حال ممکن است زمانی که دارایی‌ها بعداً تحقق می‌یابند منجر به بیش نمایی سود یا مازاد سود (سود انباشته) شود. از این رو... دارایی‌ها باید در تاریخ تجدید شناخت به ارزش منصفانه و نه به مقادیر بی‌قاعده محافظه‌کارانه منعکس شوند."

مونیتز (۱۹۶۱، ۱۴۷) در مفروضات اصلی حسابداری، اشاره می‌کند که مفاهیم سنتی، از جمله محافظه‌کاری، از سوی اعتباردهندگان تقاضا شده‌اند: "منشأ بسیاری از عادات و رسوم حسابداری امروزی ما در دورانی باید جست که در طول آن‌ها، منافع خاص اعتباردهندگان کوتاه‌مدت، «اصول» و استانداردهای حسابداری را شکل دادند. این منافع تا پایان دهه ۱۹۲۰ آشکار شدند. به گفته مونیتز (۱۹۶۱، ۴۷): "نقش مناسب محافظه‌کاری در حسابداری این است که اطمینان دهد که عدم اطمینان‌ها و ریسک‌های ذاتی در هر وضعیت تجاری مورد توجه قرار می‌گیرد. این "اصل" به‌وضوح در تعارض با "ثبات رویه" و احتمالاً همچنین با "افشا" است. مونیتز (۱۹۶۱) محافظه‌کاری را به‌عنوان درخواست برای شفافیت در گزارشگری مالی می‌داند. محافظه‌کاری ناقص ثبات رویه و افشای کامل است و او بیان می‌کند که: "تغییر از محافظه‌کاری به یک مبنای آماری صریح‌تر، همخوانی بیشتری باهدف اندازه‌گیری مناسب منابع و تغییرات در آن خواهد داشت. جی. بی. کانینگ به این نکته اشاره کرد که بهترین ارزشیابی یک دارایی (یا هر عنصر دیگر حسابداری) شناسایی به کمترین میزان ممکن (و یا بالاترین در مورد عناصر نامطلوب) مطلوب نظر نیست بلکه ارزشیابی صحیح آن است که به احتمال فراوان از طریق رویدادهای بعدی، اثبات شود (مونیتز، ۱۹۶۱، ۴۷). "این رویکرد آماری

که قبلاً نه‌تنها توسط کانینگ (۱۹۲۹) بلکه توسط می (۱۹۴۰) و واتر (۱۹۶۳) نیز حمایت شده است، به‌سوی ارزش‌های منصفانه در حرکت است. چتفیلد (۱۹۷۴، ۲۷۵) برای گسترش نظریه اولیه مونیتز که محافظه‌کارانه متکی به اعتباردهندگان است، پاسخ می‌دهد: "آنچه برای اعتباردهندگان منصفانه است، ممکن است برای سهامداران نباشد. محافظه‌کاری در زمینه شرکتی مستلزم مشخص نمودن مخاطبان (استفاده‌کنندگان) صورت‌های مالی است." مونیتز و اسپروس (۱۹۶۲)، در بیانیه آزمایشی اصول حسابداری برای شرکت‌های تجاری، برای ارزش منصفانه از محافظه‌کاری صرف‌نظر کرده و از خالص ارزش بازیافتنی، یا در صورت غیرقابل تعیین بودن آن از بهای جایگزینی برای موجودی‌های کالا و ارزش فعلی برای مطالبات و پرداختی‌های بلندمدت، برای رسیدن به یک ترازنامه و صورت سود و زیان معنی‌دارتر استفاده کردند. گریدی (۱۹۶۵، ۳۵۶) در فهرست خود از استانداردهای حسابداری شرکت‌های تجاری می‌گوید: "محافظه‌کارانه توجیهی برای کم نمایی عمدی نیست؛ بلکه کیفیت قضایای است که در ارزیابی عدم اطمینان‌ها بکار می‌رود... همبستگی کم نمایی عمدی سود در یک دوره با بیش نمایی مربوطه در دوره بعد، کل اهمیت مفهوم محافظه‌کاری را از بین می‌برد... مفهوم محافظه‌کاری یک کیفیت اساسی در عملکرد حسابرسی توسط حسابداران رسمی است... تعادل مناسب در قضاوت ریسک‌های حل‌نشده نیاز به غلبه بر احتیاط دارد." گریدی (۱۹۶۵) محافظه‌کاری را با توجه به محتاط بودنش، اما نه به‌واسطه «کم نمایی عمدی» مثبت در نظر می‌گیرد.

بیانیه شماره ۴ (AICPA، APB، ۱۹۷۰، ۱۷۱) بیان می‌دارد: "از لحاظ تاریخی، مدیران، سرمایه‌گذاران و حسابداران به‌طور کلی خطاهای احتمالی در اندازه‌گیری در جهت کم نمایی را به خطاهای احتمالی ناشی از بیش نمایی سود خالص و خالص دارایی‌ها را ترجیح می‌دهند." این ادعا منعکس‌کننده گرایش انسانی برای مقابله با عدم اطمینان است. FASB قبل از انتشار چارچوب مفهومی خود، دلایل مختلفی برای کاهش قابلیت اعتماد در

گزارشگری مالی را برمی‌شمرد. یکی از این دلایل، این است که روش‌های حسابداری با محافظه‌کاری کمتر (روش‌های متهورانه) به جای روش‌های محافظه‌کارانه‌تر قبلی، استفاده می‌شوند (FASB، ۱۹۷۶، ۴). با این وجود، FASB از همان ابتدا موضع متناقضی در مورد محافظه‌کاری اتخاذ کرده است، به عنوان مثال، شناسایی مخارج تحقیق و توسعه به عنوان هزینه‌های دوره، یک روش محافظه‌کارانه و در عین حال افزایش‌دهنده اتکاپذیری، ارائه منصفانه و بی‌طرفی به عنوان ویژگی‌های کیفی است. به طور کلی، بیانیه مفهومی گزارشگری مالی شماره ۲، با عنوان «ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری» (FASB، ۱۹۸۰، ۰۹۲) عموماً از محافظه‌کاری به عنوان ابزاری برای مقابله با عدم اطمینان در گزارشگری مالی استفاده می‌کند: «جایگاهی برای ... محافظه‌کاری - به معنی احتیاط - در حسابداری و گزارشگری مالی وجود دارد، زیرا فعالیت‌های تجاری و اقتصادی با عدم اطمینان احاطه شده‌اند، اما محافظه‌کاری باید با دقت مورد استفاده قرار گیرد... محافظه‌کاری. دیگر نباید به کم نمایی عمدی و مستمر خالص دارایی‌ها و سودها اشاره کند. توافق... در طول زمانی توسعه یافت که ترازنامه‌ها به عنوان صورت مالی اصلی (و اغلب تنها صورت مالی) در نظر گرفته شده‌اند و جزئیات سود یا سایر نتایج عملیاتی به ندرت خارج از شرکت‌های تجاری تهیه می‌شدند. (FASB، ۱۹۸۰، ۰۹۳). هنگامی که رویه تهیه اطلاعات در مورد درآمد دوره‌ای و همچنین ترازنامه مرسوم شد... مشخص شد که دارایی‌های کم نمایی شده اغلب منجر به بیش نمایی درآمد در دوره‌های بعد شده‌اند. (FASB، ۱۹۸۰، ۰۹۴). محافظه‌کاری... [در تلاش است] تا اطمینان یابد که عدم اطمینان‌ها... به اندازه کافی در نظر گرفته شده‌اند؛ بنابراین، اگر دو برآورد از مقادیر... در آینده تقریباً به یک اندازه محتمل باشند، محافظه‌کاری به استفاده از برآورد با خوش‌بینی کمتر، حکم می‌کند. (FASB، ۱۹۸۰، ۰۹۵) "FASB" (۱۹۸۰) به مزایا و معایب محافظه‌کاری در عمل به عنوان یک رویکرد محتاطانه اشاره می‌کند که باید با «مراقبت» در نظر گرفته شود، زیرا در آینده در بعضی موارد ممکن است منجر به ایجاد درآمد ضد محافظه‌کارانه و

اثرات ترازنامه‌ای شود. افزون بر آن، بیانیه مفهومی شماره ۲ (FASB، ۱۹۸۰) تضاد بین محافظه‌کارانه و بی‌طرفی را در نظر می‌گیرد، بدین گونه که عاری از جانب‌داری بودن بی‌طرفی در تضاد با محافظه‌کاری است: "اطلاعات حسابداری بی‌طرفانه تا حد امکان باید تصویری بدون اغراق و منصفانه از فعالیت‌های اقتصادی را گزارش کنند. (FASB، ۱۹۸۰، ۱۰۰). اطلاعاتی که بی‌طرفانه نیست، موجب از بین رفتن اعتبار می‌شود. اگر اطلاعات را بتوان تأیید کرد و به طور صادقانه معرف آن چیزی باشد که مدعی بیان آن است، می‌توان به آن اتکا کرد... آنگاه اطلاعات نمی‌تواند منافع گروهی را به منافع گروه دیگری ترجیح دهد. (FASB، ۱۹۸۰، ۱۰۷)."

محافظه‌کاری با توجه به سوگیری یک‌جانبه خود، بی‌طرف نیست. FASB و IASB در چارچوب‌های مفهومی خود، هر دو به صراحت و به صورت ضمنی، محافظه‌کاری را لحاظ نموده‌اند: به صراحت به عنوان یک ویژگی کیفی و به طور ضمنی در تأکید بر عدم اطمینان در تعاریف عناصر اصلی صورت‌های مالی، از جمله دارایی‌ها و بدهی‌ها (پنمن و ژانگ، ۲۰۱۸). بیانیه مفهومی گزارشگری مالی شماره ۱ (FASB، ۱۹۷۸، ۲۵) «دارایی‌ها» را به شرح زیر تعریف می‌کند: "منافع اقتصادی محتمل آتی که در نتیجه معاملات یا رویدادهای گذشته به دست آمده است یا تحت کنترل یک واحد تجاری خاص درآمده است." بیانیه مفهومی شماره ۱ «بدهی‌ها» را به شرح زیر تعریف می‌کند: "خروج محتمل منافع اقتصادی آتی ناشی از تعهدات فعلی یک واحد تجاری خاص برای انتقال دارایی‌ها یا ارائه خدمات به سایر واحدها در آینده در نتیجه معاملات یا رویدادهای گذشته. (FASB، ۱۹۷۸، ۳۵)." هر دو تعریف با عدم اطمینان‌هایی روبرو می‌شوند و به همین دلیل کلمه «محتمل» در این تعاریف به کار می‌رود که در ایالات متحده به طور سنتی به معنای احتمال بالا (بیش از ۶۰ درصد) است، در حالی که در IFRS به معنای «احتمال بیشتر از (بیش از ۵۰ درصد)» می‌باشد.

مجمع سالانه انجمن حسابداری آمریکا (۲۰۱۶) در یک پنل بحث‌برانگیز در مورد این سؤال که «آیا

محافظه‌کاری باید در چارچوب مفهومی گنجانده شود؟» دو نفر از چهار عضو پنل، به نام‌های استیون پنمن از دانشگاه کلمبیا و سودیپتا باسو از دانشگاه تمپل، به این سؤال پاسخ مثبت دادند و دو عضو دیگر به نام‌های لسلی سیدمن که قبلاً از اعضای FASB بود و لسلی هودر از دانشگاه ایندیانا و نیز رابرت هودگکینسون انجمن حسابداران خیره انگلستان و ولز، پاسخ منفی دادند. از میان آرای حدود ۶۰ نفر از مخاطبان، تقریباً نیمی از آن‌ها پاسخ مثبت و نیمی از آن‌ها پاسخ منفی دادند. محافظه‌کاری یک مفهوم چندوجهی است و همان‌طور که در ادبیات پژوهش دیده می‌شود، تعداد قابل توجهی از نویسندگان و صاحب‌نظران گذشته نیز از این مفهوم به عنوان یک ویژگی مشروع گزارشگری مالی انتقاد کرده‌اند. محافظه‌کاری در عمل، زبان‌ها را فوراً منعکس می‌کند، در حالی که درآمدها تا زمانی که تحقق یابند، گزارش نمی‌شوند. پژوهش‌های علمی در مورد محافظه‌کاری در سال‌های اخیر گسترش یافته‌اند، اغلب از تعریف واتز (دو پژوهش در سال ۲۰۰۳) استفاده نموده‌اند: «رفتار نامتقارن در مقابل اخبار خوب و بد، یعنی اشتیاق به گزارش فوری اخبار بد، اما به تأخیر انداختن گزارش اخبار خوب تا زمانی که به وضوح قطعی شود». به نظر می‌رسد که این تعریف بازتابی از تعریف سنتی «محافظه‌کاری» باشد (اصطلاح هودر) که به معنی شناسایی سریع زبان‌ها و تأخیر در شناسایی سودها است. هودر ادعا می‌کند که این تعریف خاص، هرگز در ادبیات معتبر نهادهای تدوین استاندارد در ایالات متحده آمریکا این چنین بیان نشده است. در واقع، رفتار مبهم محافظه‌کاری و تلاش‌های FASB و IASB برای توضیح آن، در اعلامیه‌های قبلی در مورد چارچوب مفهومی ناموفق بودند. بر این اساس، در سال ۲۰۱۰، محافظه‌کاری از چارچوب مفهومی (حداقل به صراحت) حذف شد. برخی افراد، به ویژه پنمن، استدلال می‌کنند که محافظه‌کاری هنوز هم به طور ضمنی در بحث‌های مربوط به اهداف و به طور ویژه در تعاریف عناصر صورت‌های مالی وجود دارد. طبق نظر سیدمن، تأکید زیاد بر «مربوط بودن» و «بیان صادقانه» در بیانیه مفهومی شماره ۲ بازنگری شده FASB (۱۹۸۰)، برای مدت‌های طولانی در تضاد با

محافظه‌کاری در نظر گرفته می‌شد، با این توضیح که اصطلاح دوم جایگزین اصطلاح «قابلیت اتکا» شده است و بیشتر اهمیت بی‌طرفی را منعکس می‌کند. سیدمن محافظه‌کاری را در دو حالت متضاد در نظر می‌گیرد: (۱) یک رویکرد جانب‌دارانه رویه پایین برای کاهش عمدی سود، یا (۲) یک رویکرد بی‌طرفانه، با تأکید بر مربوط بودن و بیان صادقانه و ارائه‌کننده اخبار خوب و بد در زمان وقوع آن‌ها، بدون غربالگری عمدی یکی از دیگری. در دیدگاه سیدمن، IASB که در سال ۲۰۱۶ چارچوب مفهومی خود را برای لحاظ نمودن «احتیاط» تغییر داد، محافظه‌کاری را در معنای دوم موردتوجه قرار داده است. صحت این موضوع در چارچوب مفهومی اصلاح‌شده IASB (۲۰۱۸، فصل ۲) معلوم شد: "بی‌طرفی با اعمال احتیاط پشتیبانی می‌شود. احتیاط عبارت است از کاربرد درجه‌ای از مراقبت در اعمال قضاوت برای انجام برآورد در شرایط ابهام موردنیاز است به‌گونه‌ای که درآمدها یا دارایی‌ها بیش از واقع و هزینه‌ها یا بدهی‌ها کمتر از واقع ارائه نشود." IASB (۲۰۱۸) نیز ادعا می‌کند که احتیاط اجازه گزارشگری کمتر از واقع دارایی‌ها و درآمد و گزارشگری بیش از واقع بدهی‌ها و هزینه‌ها را نمی‌دهد. هیئت دو نوع احتیاط را لحاظ می‌کند: (۱) احتیاط و ملاحظه، هنگام اعمال قضاوت در شرایط ابهام؛ و (۲) عدم تقارن، در گزارش سریع‌تر زبان‌ها نسبت به سودها. هیئت به‌طور کلی احتیاط نوع دوم را به‌عنوان مشخصه اطلاعات مالی سودمند نمی‌داند. IASB (۲۰۱۸، فصل ۱) نیز چارچوب مفهومی بازنگری شده خود، تأکید بیشتری بر «مباشرت» دارد: "انتظارات استفاده‌کنندگان درباره بازده‌ها... نه تنها به ارزیابی آن‌ها از مقادیر، زمان‌بندی و عدم اطمینان خالص جریان‌های نقدی ورودی آتی به واحد تجاری بستگی دارد، بلکه به ارزیابی آن‌ها از مباشرت مدیریت منابع واحد تجاری نیز وابسته است."

باسو معتقد است که FASB مدت‌هاست که در تدوین استانداردهای خود، از محافظه‌کارانه استفاده نموده است تا سود دفتری و مشمول مالیات کمتری را منعکس کند و این همان موقعیتی است که

سیدمن به‌شدت آن را رد می‌کند. گرچه به نظر می‌رسد که موضع باسو، یک فرضیه عقلایی برای توضیح محافظه‌کاری مستحکم در گزارشگری مالی باشد، با این حال موضع او محبوبیت بیشتری را از سوی هیئت و یا مخاطبان حاضر در جلسه به دست نیاورد. علاوه بر نظریات سیدمن، لازم به ذکر است که حتی قبل از بازنگری چارچوب مفهومی ایالات‌متحده آمریکا در سال ۲۰۱۰، بیانیه مفهومی شماره ۵ (FASB، ۱۹۸۴) چهار معیار شناخت را تعیین کرد: (۱) آیا تعریف مؤلفه برآورده شده است (۲) آیا این رویداد به‌طور قابل‌اتکایی قابل‌اندازه‌گیری است، (۳) آیا رویداد مربوط است و (۴) آیا رویداد به‌طور منصفانه ارائه‌شده است (که اشاره به اثبات پذیری^۴ و بی‌طرفی دارد). این معیارها، سوگیری یا محافظه‌کاری را منعکس نمی‌کنند. هنوز یک رویکرد تعریفی دیگر برای محافظه‌کاری وجود دارد که شیوه‌های محافظه‌کارانه متفاوتی را در قالب «غیرمشروط» یا «مشروط» توصیف می‌کند که در بحث پنل پوشش داده نشده است. محافظه‌کاری غیرمشروط (قبل از وقوع، غیر شرایطی، پیش رویدادی) اشاره به یک رویکرد به‌شدت رویه پایین دارد. به‌عنوان مثال، رویه هزینه کردن مخارج تحقیق و توسعه، در حسابداری ایالات‌متحده آمریکا، نشان‌دهنده محافظه‌کاری غیرمشروط است. رویکرد غیرمشروط بدون شک در یک دوره برای تحقق آن هزینه‌ها محافظه‌کارانه است، اما احتمالاً در دوره‌های آینده غیر محافظه‌کارانه خواهد بود، با این فرض که منافع بعداً در درآمد حاصل از آن هزینه‌های اولیه منعکس می‌شوند. محافظه‌کاری مشروط (بعد از وقوع، شرایطی، پس رویدادی) به یک رویکرد ظریف‌تر اشاره می‌کند که نمونه آن، قاعده اقل بهای تمام‌شده و ارزش بازار برای موجودی کالا است که تنها در صورت نیاز به کاهش ارزش رخ می‌دهد. با این حال، در صورت عدم وجود هرگونه برگشت کاهش ارزش، کاهش ارزش موجودی کالا در یک دوره، سود خالص آن دوره را کاهش و سود خالص دوره بعد را افزایش می‌دهد. ریچارد مکو، عضو سابق دانشکده علوم سیاسی و اقتصاد لندن و عضوی از مخاطبان در این بحث گروهی، از کاربرد قاعده «اقل بهای تمام‌شده و ارزش بازار» انتقاد کرد، زیرا این

قاعده ذاتاً ثبات رویه را به چالش می‌کشد به‌گونه‌ای که برخی از موجودی‌های کالا دچار کاهش ارزش می‌شوند درحالی‌که سایر موجودی‌های کالا کاهش ارزش ندارند. IFRS با توجه به مشاهدات مکو، برخلاف استانداردهای حسابداری آمریکا، در مواردی که دیگر نیازی به کاهش ارزش نیست، از برگشت دادن کاهش ارزش استفاده می‌کند. تقسیم‌بندی محافظه‌کاری به «غیرمشروط» و «مشروط» معمولاً در پژوهش‌های تجربی یافت می‌شود، اگرچه بیشتر پژوهش‌های منتشرشده با محافظه‌کاری مشروط سروکار دارند. پنمن استدلال می‌کند که محافظه‌کاری یک ویژگی ضروری برای گزارشگری مالی است؛ زیرا دارای «لبه برش» است و برخلاف ویژگی‌های مربوط بودن و بیان صادقانه می‌باشد که برای او یادآور «شیر مادر» است. او معتقد است که عدم اطمینان در حسابداری و گزارشگری مالی شایع است و باید شفافیت درباره آن بیشتر باشد. با در نظر گرفتن دیدگاه‌های پنمن، به نظر می‌رسد که راه‌حل مسئله عدم اطمینان، ارائه افشای کامل احتمالات ارقام، از جمله بازه‌ها یا توزیع‌های آن‌ها، در گزارشگری مالی است که در ادبیات تحقیق گذشته توسط می (۱۹۴۰) و واتر (۱۹۶۶) موردحمایت قرار گرفته بود. درنهایت، هودر به دو روش متفاوت، منطق محافظه‌کاری را در نظر می‌گیرد که هر دو در ذات تمام برآوردهای گزارشگری مالی وجود دارند: (۱) ریسک اندازه‌گیری و (۲) ریسک پیامد (خروجی). با این حال، هودر این موضوع را در نظر نگرفت که بیان صادقانه، اطلاعات مربوط به موضوع را با خطای اندازه‌گیری کم یا بدون خطا منعکس می‌کند.

پژوهش‌های تجربی معاصر

همان‌طور که قبلاً ذکر شد، برخی از پژوهش‌های تجربی معاصر در مورد محافظه‌کاری، بین شیوه‌های حسابداری که «محافظه‌کاری غیرمشروط» هستند با آن‌هایی که «محافظه‌کاری مشروط» هستند تمایز قائل می‌شوند. طبق مقاله باسو (۱۹۹۷)، محافظه‌کاری نشان‌دهنده «درجه بالاتر تأیید شناسایی اخبار خوب به‌عنوان سود نسبت به شناسایی اخبار بد به‌عنوان زیان است.» باسو

در مقابل، محافظه‌کاری مانع از پرداخت بیش‌ازحد به مدیران و مشارکت آن‌ها در تقلب می‌شود. واتز (۲۰۰۳) در تبیین مبانی محافظه‌کاری، محافظه‌کاری را در «تعقاد قراردادهای» «به حداقل رساندن ریسک دادخواهی سهامداران» و «به حداقل رساندن مالیات شرکت» و «هزینه‌های قانونی حسابداری» سودمند می‌داند. تحقیقات اخیر در مورد محافظه‌کاری، نشان‌دهنده تمایل به استفاده از تعاریف و چارچوب‌های مورد استفاده در مقاله‌های پژوهشی واتز (۲۰۰۳) و باسو (۱۹۹۷)، یعنی انعکاس نامتقارن و سریع‌تر اخبار بد-ازجمله زیان‌ها-نسبت به اخبار خوب-ازجمله سودها- است. یکی از موضوعاتی که همه این پژوهش‌ها، آن را منعکس می‌کنند این است که محافظه‌کاری در حسابداری و رویه گزارشگری مالی، به‌خوبی وجود دارد.

در این بخش بعدی مقاله بر روند محافظه‌کاری در کشورهای تمرکز دارد که ملزم به به‌کارگیری حسابداری شرکت‌های بخش خصوصی برای شرکت‌های بورسی و غیر بورسی و همچنین IFRS برای شرکت‌های بورسی هستند. این روند تأثیر IFRS بر اصلاح استانداردهای شرکت‌های بخش خصوصی را نشان می‌دهد تا آن‌ها را کسب‌وکار محورتر و سهامدار محورتر کند. سه کشور برای نشان دادن این روند بر اساس در دسترس بودن اصول شرکت‌های سهامی به زبان انگلیسی انتخاب شده‌اند: بلژیک، سوئیس و ژاپن. با توجه به فرضیه گری (۱۹۸۸) که قبلاً ارائه شده است، این‌ها کشورهایی هستند که فرهنگ آن‌ها به‌طور سنتی منعکس‌کننده اجتناب از نا اطمینانی و جهت‌گیری بلندمدت است و در نتیجه، احتمالاً به دنبال پیروی از روش‌های حسابداری محافظه‌کارانه باشند. بلژیک به‌طور خاص، به دلیل آنکه عضو اتحادیه اروپا است انتخاب شده است و بنابراین باید IFRS را برای شرکت‌های بورسی خود اعمال کند. افزون بر این، چنین شرکت‌هایی ملزم هستند که بر اساس استانداردهای حسابداری بلژیک نیز گزارش بدهند. گرچه سوئیس عضو اتحادیه اروپا نیست، با این حال به شرکت‌ها اجازه می‌دهد تا گزارش‌های مالی را بر اساس استانداردهای حسابداری سوئیس یا IFRS تهیه کنند. همچنین، استانداردهای حسابداری

بر اساس پژوهش خود بیان می‌کند: "من محافظه‌کارانه را به‌عنوان انعکاس سریع‌تر «اخبار بد» نسبت به «اخبار خوب» در سود تفسیر می‌کنم... حساسیت هم‌زمان سود به بازده‌های منفی، دو تا شش برابر حساسیت سود به بازده‌های مثبت است. مطابق با این پایداری نامتقارن، ضرایب واکنش سود^۵ برای تغییرات مثبت سود بیشتر از تغییرات منفی سود هستند." پنمن و ژانگ (۲۰۰۲) معتقدند که حسابداری محافظه‌کارانه همراه با رشد سرمایه‌گذاری سبب می‌شود که سود همراه با نرخ‌های بازده حسابداری کاهش یافته و منجر به ذخایر ثبت‌نشده می‌شود. ذخایر، به‌نوبه خود، بعدها آزاد شده و منجر به ایجاد سود و نرخ بازده‌های بالاتر می‌شوند. لیو و اولسون (۲۰۰۰) اشاره می‌کنند: "حسابداری محافظه‌کارانه نشان می‌دهد که یک شرکت (به‌طور متوسط) سودآور خواهد بود و از این‌رو، شرکت بابت رشد بالا در اندازه خود که به‌وسیله خالص دارایی‌های عملیاتی اندازه‌گیری می‌شود، پاداش می‌گیرد. با در نظر گرفتن یک دیدگاه متفاوت‌تر، رشد همراه با حسابداری محافظه‌کارانه، شناسایی سودهای بالا را دشوارتر ساخته و از این‌رو، کیفیت سود / اقلام تعهدی در مقایسه با حسابداری بی‌طرفانه بهتر هستند."

لیو و اولسون (۲۰۰۰) معتقدند که حسابداری محافظه‌کارانه، عملکرد واقعی شرکت را کاهش می‌دهد و سطح انتظارات سرمایه‌گذاران برای عملکرد آتی آن را پایین می‌آورد. واتز (در پژوهش در سال ۲۰۰۳) در دو مورد از مهم‌ترین پژوهش‌های خود در مورد محافظه‌کاری، ادعا می‌کند که محافظه‌کاری به‌عنوان یک مفهوم حسابداری مهم، شایسته یک شروع جدید است. از نظر او: «محافظه‌کاری به‌عنوان تاییدپذیری مورد نیاز برای شناسایی سودها در برابر زیان‌ها تعریف شده است. محافظه‌کاری علی‌رغم انتقادات وارده به آن، مدت‌های طولانی در حسابداری باقی‌مانده است و به نظر می‌رسد در ۳۰ سال گذشته نیز افزایش یافته است». او ادامه می‌دهد که تلاش برای حذف محافظه‌کاری، رفتار مدیریتی را تغییر خواهد داد و برای سرمایه‌گذاران و اقتصاد هزینه‌بر خواهد بود. «تصدی محدود» مدیریت، انگیزه‌های برای سوگیری در برآوردها ایجاد می‌کند.

سوئیس در شرایط خاصی به‌منظور مطابقت با IFRS اصلاح شده است. ژاپن نیز به شرکت‌های بورسی اجازه می‌دهد تا بر اساس استانداردهای حسابداری ژاپنی، استانداردهای حسابداری غربی شده ژاپن، IFRS یا استانداردهای حسابداری آمریکا گزارش دهند.

استانداردهای حسابداری بین‌المللی شرکت‌های بخش خصوصی

به‌طور سنتی، استانداردهای حسابداری اروپا و دیگر کشورها، از آنجا که بر اساس قانون هستند، بازتابی از قوانین مالیات بر درآمد با ویژگی‌های از قبیل استهلاک حسابداری بر اساس مقررات مالیاتی، روش کار تکمیل شده به‌جای درصد تکمیل کار برای قراردادهای پیمانکاری، اجاره‌های عملیاتی به‌جای اجاره‌های سرمایه‌ای، ذخایر قانونی و مخفی، معوق کردن سودهای غیرعملیاتی و تفاوت تسعیر ارز در صورت وجود، حساب‌های مالیاتی انتقالی، می‌باشند (نوبز، ۲۰۰۳). در سال‌های اخیر، جهت‌گیری این استانداردها تا حدودی از دیدگاه‌های اعتباردهندگان اصلی و مالیاتی خود به‌سوی دیدگاه‌های تجاری و سرمایه‌گذاری روبه رشد بوده است که این تغییر ظاهراً مربوط به تأثیر کلی IFRS و IFRS بر تدوین استاندارد توسط دولت یا نهادهای استاندارد گذار خصوصی در این کشورها، برای مؤسسات کوچک و متوسط است. بدین قرار، این کشورها امروزه تمایل بیشتری به تحقق این مفهوم دارند که گزارشگری مالی به‌جای تلاش برای به حداقل رساندن مالیات بر درآمد با پیروی از مقررات مالیاتی در گزارشگری مالی، در تلاش برای ارائه‌ی «دیدگاه درست و عادلانه» باشد.

در این بخش از مقاله سه کشور در نظر گرفته شده‌اند: بلژیک، سوئیس و ژاپن. این سه کشور همانند اکثر کشورها، دارای نظام قانونی مدون هستند. هر سه کشور، استانداردهای حسابداری شرکت‌های بخش خصوصی را تدوین کرده‌اند که به‌طور سنتی به مقررات مالیات بر درآمد و دولت و بانک‌ها به‌عنوان منابع اصلی تأمین مالی تجاری متکی بوده‌اند. علاوه بر این، این کشورها، در میان سایر کشورها، در تلاش هستند تا صنایع خود را خصوصی‌سازی

کنند که انجام این کار از دیدگاه حسابداری به معنای تلاش برای اعمال اصول سرمایه‌گذار محور و ارائه افشاهای بااهمیت است. به عبارتی، می‌توان گفت که استانداردهای حسابداری شرکت‌های بخش خصوصی در حال همگرایی به سوی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (شامل شرکت‌های کوچک و متوسط) هستند که عمدتاً سرمایه‌گذار محور می‌باشند.

بلژیک، در واقع، شاهد یک سیر تکاملی در حسابداری شرکت‌های بخش خصوصی بوده است که از جهت‌گیری اعتباردهنده همراه با قانون مالیات بر درآمد، به سوی چارچوبی شفاف‌تر برای جذب بانکداران و سرمایه‌گذاران، تغییر جهت داده است. این کشور دارای یک سنت طولانی از حسابداری محافظه‌کارانه است که منعکس‌کننده فرهنگ محافظه‌کارانه آن می‌باشد. قانون حسابداری سال ۱۹۷۵ در بلژیک، یک جایگاه جدای از قانون مالیات به حسابداری بخشید. از این رو حسابداری تا حدودی جدای از قانون مالیاتی، از جمله صورت‌های مالی تلفیقی پیشرفت کرده است. بر اساس این استانداردها، یک فهرست حساب استاندارد در داخل شرکت مورد نیاز است. همچنین، یک ترانزنامه اجتماعی که بر اشتغال تأکید دارد اجباری است (یورپسن و استبل، ۲۰۱۰). شرکت‌های غیر بورسی در این کشور، اختیار استفاده از استانداردهای حسابداری بلژیک یا IFRS را دارند (یورپسن و استبل، ۲۰۱۰). پیش از اینکه اتحادیه اروپا به‌کارگیری IFRS برای شرکت‌های بورسی در بلژیک و همچنین سایر کشورهای عضو را اجباری کند، چنین شرکت‌هایی حتی مجاز بودند که از استانداردهای حسابداری آمریکا به‌عنوان مدل اصلی گزارشگری خود استفاده کنند (یورپسن و همکاران). گرچه احتیاط یکی از ویژگی‌های مهم حسابداری بلژیک بوده است، اما امروزه کمتر به آن پرداخته می‌شود. بهای تمام‌شده تاریخی هنوز پایه اصلی حسابداری بلژیک است، اما تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت مشهود تنها در صورتی که باید انجام شود که «این دارایی‌ها به‌وضوح برای انجام و تداوم فعالیت مورد نیاز باشند» و «ارزش منصفانه آن‌ها به‌وضوح بیش از ارزش دفتری باشد». لذا با این تفاسیر، توجیه

انجام تجدید ارزیابی، در بلژیک موضوع اساسی است چراکه با توجه تجربه رکود آن در دهه ۱۹۲۰، بسیاری از دارایی‌ها بیش از حد ارزشیابی شده بود. در گذشته، حسابداری شرکت‌های بخش خصوصی بلژیک قبل از پذیرش IFRS توسط شرکت‌های بورسی، تقریباً هیچ گزارشگری راجع به مالیات انتقالی نداشت و محاسبه استهلاک عمدتاً مبتنی بر مالیات بوده است. هیچ‌گونه استاندارد برای کاهش ارزش دارایی وجود نداشت؛ و سرفق‌لی عموماً در طول پنج سال مستهلک می‌گردید. در بلژیک هنوز هم هیچ استاندارد برای «سود هر سهم» و «مزایای بازنشتی کارکنان» وجود ندارد. و الزامی به ارائه صورت جریان‌های نقدی وجود ندارد. با این حال، امروزه نه تنها زبان‌های تحقق نیافته، بلکه سودهای تحقق نیافته نیز در اوراق مشتقه منعکس می‌شوند (برماکوچ، ۲۰۰۴). در حال حاضر در حسابداری شرکت‌های بخش خصوصی بلژیک، زبان کاهش ارزش زمانی شناسایی می‌شود که ارزش دفتری دارایی ثابت بیش از ارزش استفاده آن باشد که از «مبلغ بازیافتنی» IFRS اقتباس شده است که بیشترین مقدار (اکثر) «ارزش استفاده یا ارزش فعلی (ارزش اقتصادی)» و «خالص ارزش فروش» است. در مورد دارایی‌های مشهود بلااستفاده، کاهش ارزش زمانی منعکس می‌شود که ارزش دفتری بیش از خالص ارزش فروش باشد، این نیز اصطلاحی است که از مبلغ بازیافتنی IFRS اقتباس شده است. طبق IFRS، این زبان‌های کاهش ارزش قابل‌برگشت هستند. طبق IFRS، سرفق‌لی نیز حداقل هر ساله مورد آزمون کاهش ارزش قرار می‌گیرد تا آنجا که از مقادیر بازیافتنی بیشتر باشد (پرایس واتر هاوس کوپرز، ۲۰۱۶). علاوه بر این، در بلژیک، تحقیق و توسعه به‌عنوان یک مفهوم تعریف شده است و اگر انتظار بالایی وجود داشته باشد که توسعه محصول ایجاد گردد و سپس طی حداکثر پنج سال مستهلک شود، ممکن است سرمایه‌ای شود. به‌کارگیری قاعده اقل بهای تمام‌شده و ارزش بازار برای موجودی کالا، ارزش بازار را به‌عنوان خالص ارزش فروش تعریف می‌کند که مطابق با IFRS است. دارایی‌های نامشهود زمانی مستهلک می‌شوند که ارزش دفتری به علت تغییرات در فن‌آوری بیش از ارزش بازیافتنی باشد. بر اساس قوانین مالیاتی جاری، رویکردهای شتابدار

استهلاک هنوز به‌عنوان روشی برای استهلاک بکار می‌رود. با این حال، طبق IFRS، هزینه‌های تأمین مالی ناشی از تحصیل یا ساخت دارایی‌های واجد شرایط، سرمایه‌ای می‌شوند. سرمایه‌ای کردن اجاره‌ها نیز زمانی رخ می‌دهد که مخاطرات و مزایای مالکانه از موجه به اجاره‌کننده، با تأکید بر مفهوم «رجحان محتوا بر شکل» انتقال یابد که نشان‌دهنده تأثیر IFRS است (یورپسن و استبل، ۲۰۱۰). علاوه بر این، تنزیل ذخایر که به‌عنوان بدهی‌های ناشی از زمان‌بندی یا مقدار نامشخص تعریف شده‌اند، طبق استانداردهای حسابداری بلژیک و مطابق با IFRS است. تقسیم اوراق بهادار قابل‌تبدیل به بدهی و سهام، یک‌رویه قابل‌قبول است، زیرا طبق IFRS الزامی است، حتی اگر هیچ استاندارد خاص بلژیکی برای این روش وجود نداشته باشد. در کل، به نظر می‌رسد که حسابداری بلژیک امروزه در این دوره‌ی پذیرش IFRS توسط اتحادیه اروپا (از سال ۱۹۷۵) ترجیح کمتری به محافظه‌کاری و احتیاط داشته باشد. احتیاط در بلژیک منجر به انعکاس درآمد در زمان قطعیت و انعکاس هزینه در زمان محتمل بودن می‌شود. امروزه در حسابداری بلژیک آزادی عمل بسیار بیشتری نسبت به رعایت سخت‌گیرانه مفهوم احتیاط وجود دارد. شباهت‌های حسابداری زیادی با IFRS وجود دارد.

استانداردهای حسابداری شرکت‌های خصوصی سوئیس با توجه به تمایل حسابداری سوئیس نسبت به شفافیت، افشای کامل و تمایل آن به انعکاس ثبات و حفظ سرمایه، تحت تأثیر IFRS قرار گرفته است. هدف حسابداری سوئیس، دستیابی به دیدگاه درست و عادلانه و درعین حال پذیرش یک موضع محتاطانه و الزام منابع قانونی، در غیر این صورت، غیرقابل توزیع بودن آن برای پوشش زبان‌ها است. با توجه به نفوذ قابل‌توجه جامعه بانکداری در این کشور، این رویه چندان عجیب نیست. شرکت‌های سوئسی اخیراً مجاز هستند که از میان گزارشگری طبق IFRS و استانداردهای حسابداری سوئیس، یکی را انتخاب کنند. یک‌سوم شرکت‌ها در سال‌های اخیر IFRS را کنار گذاشته‌شده و از استانداردهای حسابداری سوئیس استفاده نموده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که چنین استانداردهایی دیگر به

قانون مالیات و جهت‌گیری به سوی اعتباردهنده پایبند نیستند. امروزه استانداردهای حسابداری این کشور تا حدودی رنگ و بوی IFRS را دارند (هایل، ۲۰۱۶). در سال ۲۰۱۳، یک قانون حسابداری جدید در سوئیس، با تأکید بر الزامات یکسان، اجرایی شد. شرکت‌های بورسی باید طبق IFRS، SME IFRS، استانداردهای حسابداری سوئیس یا استانداردهای آمریکا برای اهداف بازار سرمایه گزارش دهند. استانداردهای حسابداری سوئیس هنوز هم به‌عنوان یک چارچوب قانونی، خواستار کاهش ارزش دارایی‌ها، صورت جریان وجه نقد و گسترش افشاها است. ذخایر قانونی و مخفی هر دو وجود دارند و نشان‌دهنده تأثیر مستمر بانک‌ها و دولت می‌باشد (بارتل بی، ۲۰۱۱). سوئیس، مانند سایر کشورهای در نظر گرفته‌شده، به‌طور مؤثر در تلاش است تا بین حسابداری برای گزارشگری مالیات بر درآمد - شامل پرداخت مالیات مناسب با پیروی از مقررات مالیاتی - و گزارشگری مالی - ارتباط عمده با جامعه سرمایه‌گذار و انتقال اطلاعات برای توانمندی سرمایه‌گذاران برای پیش‌بینی جریان‌های نقدی و تمام برآوردهای ذهنی موردنیاز در آن روند - تمایز ایجاد کند. سوئیس قصد دارد یک دیدگاه درست و عادلانه در حسابداری در چارچوب احتیاط بیان کند.

فرهنگ و حسابداری ژاپن برای مدت‌های طولانی محافظه‌کارانه بوده است. به‌طور سنتی، اصول و رویه‌های حسابداری آن شبیه به کشورهای دارای نظام قانون مدون غربی اروپایی است که جهت‌گیری‌شان به‌سوی قوانین مالیات بر درآمد و تا حد قابل‌توجهی به‌سوی اعتباردهنده است. برای مثال، اجاره‌ها اساساً به‌عنوان عملیاتی تلقی می‌شوند، مگر اینکه انتقال مالکیت وجود داشته باشد. کاهش ارزش دارایی‌های بلندمدت پس از سال ۲۰۰۵، بدون شک تحت تأثیر IFRS و استانداردهای حسابداری آمریکا قرار گرفت زیرا به نظر می‌رسد که حسابداری ژاپن ترکیبی از استانداردهای حسابداری آمریکا و IFRS است چراکه طبق استانداردهای حسابداری آمریکا، زیان کاهش ارزش در صورتی که شناسایی می‌گردد که ارزش دفتری کمتر از جریان‌های نقدی تنزیل نشده باشد و طبق IFRS زیان به‌عنوان مازاد

ارزش دفتری به ارزش بازافتی اندازه‌گیری می‌شود. سرقفی از سال ۲۰۰۳ مستهلک‌شده است - رویه استهلاک خطی مستقیم و ۲۰ ساله بوده و همان‌طور که قبلاً شرح داده شد، هر ساله مورد آزمون کاهش ارزش قرار می‌گیرد. استهلاک طبق قانون مالیات‌ها، به‌صورت نزولی انجام می‌شود. ارزش‌های منصفانه به‌طور سنتی مورد استفاده قرار نگرفته‌اند. به‌طور خلاصه، حسابداری ژاپن تا حد زیادی محافظه‌کارانه است (هیئت استانداردهای حسابداری ژاپن، ۲۰۱۸). امروزه، شرکت‌های ژاپنی با شرکت‌های فرعی خارج از کشور می‌توانند تصمیم بگیرند که آیا بر اساس استانداردهای حسابداری آمریکا، IFRS، IFRS اصلاح‌شده ژاپنی یا استانداردهای حسابداری ژاپن عمل کنند. به‌طور خاص، شرکت‌های ژاپنی از سال ۲۰۱۰، مجاز به استفاده از IFRS شده‌اند. اکثر شرکت‌ها از IFRS استفاده می‌کنند؛ شرکت‌های کمتری از استانداردهای حسابداری آمریکا استفاده می‌نمایند. با این حال، اگر آن‌ها IFRS را بپذیرند، تمام شرکت‌های فرعی آن‌ها نیز باید این کار را انجام دهند (کی. پی. ام. جی، ۲۰۱۷).

IFRS در بسیاری از کشورها به‌منظور بهبود بازارهای سرمایه، افزایش شفافیت و ترویج سرمایه‌گذاری و تأمین مالی بین‌المللی مورد استفاده قرار گرفته است. این یک رویکرد اصولی است که خواستار قضاوت، برآورد و افشاهای گسترده حرفه‌ای است. اگرچه به‌کارگیری و الزام آن در مقیاس وسیع تاکنون از یک کشور به کشور دیگر یکنواخت نبوده است و ایالات متحده آمریکا، چین و ژاپن را شامل نمی‌شود، در تحلیل نهایی تفسیر دقیق و اجرای استانداردها تبدیل به کلید دستیابی به اهداف این چارچوب خواهد شد. گرچه این مقاله فقط سه کشور را مورد بررسی قرار داده است و ماهیت در حال تغییر حسابداری شرکت‌های خصوصی را از محافظه‌کاری کمتر به محافظه‌کارانه بیشتر بررسی می‌کند، با این حال پژوهش‌های آتی در این موضوع مطلوب به نظر می‌رسد تا ببینیم که آیا این نتایج می‌توانند در سطح جهانی تعمیم داده شوند یا خیر. IFRS برای واحدهای تجاری متوسط و کوچک (IASB، ۲۰۱۶) که به نظر می‌رسد بسیاری از کشورها از آن به‌عنوان

یک راهنما در ارتقا و اصلاح استانداردهای حسابداری شرکت‌های سهامی خاص خود استفاده می‌کنند، در اولین و جدیدترین تجدیدنظر خود، همانند IFRS اجازه استفاده از ارزش منصفانه را برای املاک، ماشین‌آلات و تجهیزات داده است.

نتیجه‌گیری

بریف استدلال می‌کند که حسابداری به دلیل عدم اطمینان به‌عنوان یک رشته وجود دارد، درحالی‌که خود داده‌های حسابداری غیرقطعی هستند. سود، پاداشی برای تحمل عدم اطمینان است. علاوه بر این، این رشته هرگز به‌طور کامل عدم اطمینان‌های زیربنایی خود را تصدیق نکرده است (بریف، ۱۹۷۵). به همین دلیل است که بریف معتقد است که مسائل بسیاری در ذات حسابداری برای همیشه لاینحل باقی خواهد ماند. به نظر می‌رسد که محافظه‌کاری یکی از این مسائل باشد، هرچند که بریف از آن به‌صراحت نام نبرده است. محافظه‌کارانه به‌طور سنتی سازگاری خاصی با عدم اطمینان در گزارشگری مالی داشته است و رویکردی قضاوتی برای مقابله با ناشناخته‌های آینده بوده است. محافظه‌کاری یک اصل نیست، بلکه یک رهنمود مستحکم و مفید است که به‌جای منطقی بودن، بیشتر اختیاری است. همان‌طور که ساندر (۲۰۱۶) مشاهده کرده است، حسابداری و گزارشگری مالی ناشی از ترکیب هنجارهای اجتماعی و قوانین نوشته‌شده هستند. هنجارهای اجتماعی به‌طور کامل مشخص نشده‌اند و راهنمایی معتبری برای آن‌ها وجود ندارد. آن‌ها ذهنی و مبهم هستند. حسابداری بسیار تلاش کرده است تا این هنجارها را با قوانینی جایگزین کند که «در پی کامل بودن، عینیت و یکنواختی» هستند (ساندر، ۲۰۱۶، ۵۴). هیچ‌گونه شواهدی که نشان‌دهنده این موضوع باشد که «قواعدی که توسط نهادهای تدوین استاندارد وضع می‌گردد دارای قدرت انحصاری و بهتر از هنجارها هستند» وجود ندارد. بدین ترتیب، ساندر (۲۰۱۶) خواستاری برقرار موازنه میان قوانین نوشته‌شده و هنجارهای اجتماعی است. از دیدگاه ساندر (۲۰۱۶)، محافظه‌کاری احتمالاً می‌تواند به‌جای یک استاندارد، به‌عنوان یک ویژگی قضاوتی و در غیر این صورت به‌عنوان یک هنجار اجتماعی در

نظر گرفته شود. محافظه‌کاری یک راهنمای مبهم در عمل حسابداری است که بر روشی محتاطانه در ارائه چارچوبی برای اقدام نسبت به عدم اطمینان‌های ذاتی در اندازه‌گیری‌های حسابداری تأکید دارد. با این حال، این مفهوم، کم‌نمایی عمدی درآمد و دارایی‌ها و بیش‌نمایی عمدی هزینه‌ها و بدهی‌ها را توجیه نمی‌کند. اهمیت محافظه‌کاری با تأکید بر ارزش منصفانه، کاهش یافته است، اما هنوز هم ریشه عمیقی در نحوه عمل حسابداری دارد. این مفهوم در ابتدا به تقاضای بانکداران و سایر اعتباردهندگان ایجاد شد و سپس درخواست گسترده‌تری برای آن به وجود آمد. سالیان درازمدتی، نقش محافظه‌کاری به‌واسطه تأکید FASB و IASB بر «ارزش منصفانه» و «مربوط بودن» در برابر «بهای تمام‌شده تاریخی» و «اثبات پذیری» سال‌های قبل کاهش یافته است. از زمان انتشار گزارش تروبلاد، بر ارائه اطلاعات به سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان به‌منظور ایجاد امکان «پیش‌بینی، مقایسه و ارزیابی جریان‌های نقدی بالقوه توسط آن‌ها از لحاظ میزان، زمان‌بندی و عدم اطمینان مربوطه» و «پیش‌بینی، مقایسه و ارزیابی قدرت سودآوری شرکت تأکید شده است (یعنی یک دیدگاه بلندمدت در چارچوب مفهومی آن با استفاده از همان ضوابط نسبت به توانایی ایجاد وجه نقد)» (AICPA, 1973). FASB (1978) این دیدگاه مرکزی تروبلاد را به‌عنوان هدف اصلی صورت‌های مالی به تصویب رساند. IASB نیز این هدف را در چارچوب مفهومی خود لحاظ می‌کند، اما به نظر می‌رسد نسبت به FASB تأکید بیشتری بر مباشرت دارد که ممکن است به همین دلیل باشد که IASB احتیاط را به‌عنوان یکی از ویژگی‌های کیفی اضافه کرده است. رویه حسابداری شرکت‌های خصوصی در بسیاری از کشورها به‌عنوان حسابداری محافظه‌کارانه محسوب می‌شود. با این حال، به دلیل آنکه فرهنگ‌ها به دلیل جهانی‌شدن تغییر می‌کنند، این استانداردهای حسابداری نیز به خاطر تمایل به خصوصی‌سازی شرکت‌های در مالکیت دولت (دولتی) تغییر می‌کنند. بر این اساس، گرایش سیاست حسابداری شرکت‌های خصوصی تا حدودی به‌سوی IFRS متمایل می‌شود زیرا چنین استانداردهای حسابداری باید برای سرمایه‌گذاران

خارجی و اعتباردهندگان جذابیت داشته باشند. در مورد نقش محافظه‌کاری در نحوه عمل حسابداری، ادعاهای غلطی وجود دارد. محافظه‌کاری بدون شک یک مفهوم مستحکم است، اما دیدگاه‌های مختلف در مورد اهمیت آن همچنان ادامه دارد. بسیاری از نویسندگان پیشین، محافظه‌کاری را به‌عنوان یک «شر غیرقابل اجتناب»^۲ در میان مفاهیم و اصول گزارشگری مالی در نظر گرفته‌اند. با این وجود، استرلینگ (1967)، محافظه‌کاری را مهم‌ترین اصل حسابداری می‌داند، اما آن را تأیید نمی‌کند. واتز، از سوی دیگر، بر اهمیت فوق‌العاده آن، به‌ویژه در انعقاد قرارداد و ریسک طرح دعاوی حقوقی تأکید می‌کند. IASB (2018) به‌طور رسمی «احتیاط» را به چارچوب مفهومی تجدید ارائه‌شده خود اضافه کرده است و آن را به‌عنوان «اعمال احتیاط در شرایط عدم اطمینان» تعریف می‌کند. همان‌طور که هیگوسترست (2016) به‌عنوان رئیس فعلی IASB بیان می‌کند: «ما اعتقاد داریم؛ که بیش‌نمایی سودها و کم‌نمایی بدهی‌ها باید متوقف شود». بدون شک IASB تصمیم گرفته است که احتیاط و مباشرت با توجه به تأثیر بانک‌ها به‌عنوان منبع اصلی تأمین‌کننده منابع مالی برای واحدهای تجاری در بسیاری از کشورهایی که IFRS را تصویب یا تطبیق داده‌اند، به چارچوب مفهومی خود اضافه کند. با این وجود، قطعاً مشخص نیست که آیا IFRS نسبت به استانداردهای حسابداری آمریکا، با توجه به تفاوت‌های بین دو مجموعه استاندارد در طیف وسیعی از مسائل، محافظه‌کارانه‌تر است یا خیر؟ تأثیر به‌کارگیری احتیاط در چارچوب مفهومی IFRS بر روی تدوین استاندارد آن تاکنون مشخص نشده است. علاوه بر این، این تناقض وجود دارد که IASB در این زمان، محافظه‌کاری یا احتیاط را به چارچوب مفهومی خود اضافه می‌کند، درحالی‌که به نظر می‌رسد حسابداری شرکت‌های بخش خصوصی در سرتاسر پهنه‌گیتی تا حدودی در حال دور شدن از محافظه‌کاری هستند. به نظر می‌رسد که این جنبش، محوریت مالیاتی و اعتباردهنده حسابداری شرکت‌های سهامی خاص را کاهش داده و به‌سوی سرمایه‌گذاران تغییر جهت دهد که این امر، منعکس‌کننده نظام حقوقی عرفی نیستند،

استفاده‌کنندگان اصلی گزارش‌های مالی همچنان بانک‌ها و دولت‌ها هستند، بنابراین محافظه‌کاری باید به این گروه از استفاده‌کنندگان نیز توجه کند. یکی دیگر از دلایل احتمالی درج مفهوم «احتیاط» در چارچوب مفهومی این است که استانداردهای باکیفیت بالاتر را به‌عنوان یک عامل بازدارنده تقلب حسابداری ارتقاء دهیم. درنهایت، دیچو، گراهام، هاروی و راجکوپال (2013)، به‌طور خاص، مدیران مالی را موردبررسی قرار دادند تا بدانند که کدام شیوه‌های حسابداری برای ایجاد «سود باکیفیت بالا» برای پیش‌بینی ارزش یک شرکت سودمند هستند. بیش از 90 درصد از آن‌ها ادعا کردند که «اصل تطابق» و «محافظه‌کاری» انتخاب‌های اول و دوم آن‌ها بوده‌اند. این پژوهش نشان‌دهنده تأثیر قابل توجه محافظه‌کاری در رویه حسابداری معاصر است. تعجب‌آور نیست که افراد حرفه‌ای تمایل دارند که از محافظه‌کاری حمایت کنند درحالی‌که دانشگاهیان به‌طور عمده این کار را انجام نمی‌دهند.

پی‌نوشت‌ها:

1. code law countries
2. first virtue
3. adaptability
4. verifiability
5. Earnings response coefficients
6. value in use
7. Necessary Evil

منبع:

Bloom, R. 2018. Conservatism in Accounting: A Reassessment, ACCOUNTING HISTORIANS JOURNAL, Vol. 45, No. 2, December, pp. 1–15.

وحید منتی: حسابدار رسمی، دکتری حسابداری، عضو هیئت علمی گروه حسابداری دانشگاه شهید بهشتی
الهه زمان: دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی